

داعش و امنیت ایران با تکیه بر مکتب کپنهاگ

یاسر اسماعیل زاده امامقلی* - حسنعلی احمدی فشارکی**

(تاریخ دریافت: ۱۳۹۴/۹/۲۸ - تاریخ پذیرش: ۱۳۹۵/۴/۲۶)

چکیده

نسل‌نوین مطالعات امنیتی، نتیجه‌گذار از جنگ سرد است که مفاهیم و تعاریف سنتی از امنیت را به سوی جنبه‌های متنوعی مانند امنیت سیاسی، اقتصادی، اجتماعی و زیست‌محیطی معطوف کرد. این مقاله می‌کوشد تا تاثیر یکی از خطرناک‌ترین و پیچیده‌ترین تهدیدات امنیتی بین‌المللی یعنی داعش بر امنیت جمهوری اسلامی ایران را تحلیل کند. سؤال اساسی این است که «پدیده داعش به‌عنوان یک تهدید؛ چه نسبتی با امنیت ایران دارد؟» تجزیه و تحلیل داده‌های موجود نمایانگر آن است که حضور و نفوذ داعش در منطقه از منظر امنیتی به‌مثابه شمشیری دو لبه برای امنیت ایران عمل می‌نماید که در صورت عدم توجه به هر تیغه، تحلیل تأثیر وجود داعش بر امنیت ایران ناقص و نارسا خواهد بود. این مقاله می‌کوشد با روش پژوهش تبیینی و با استفاده از ابزار کتابخانه‌ای و فیش‌برداری منابع داخلی و خارجی، تأثیر متغیر مستقل «تهدید داعش» بر «امنیت ایران» را واکاوی کند.

واژگان کلیدی: امنیت، تروریسم، مکتب کپنهاگ، داعش، ایران.

* دانشجوی دکتری علوم سیاسی دانشگاه آزاد اسلامی، واحد زاهدان، ایران (نویسنده مسئول)
esmailzadehyaser@yahoo.com

** رئیس پژوهشکده مطالعات میان‌فرهنگی
ahmadihf@yahoo.com

مقدمه

امنیت یک مفهوم پیچیده و مناقشه‌برانگیز است که شدیداً با احساسات درآمیخته و عمیقاً متأثر از ارزش‌هاست. بسیاری از افراد معتقدند مسئله امنیتی هنگامی به وجود می‌آید که فردی یا گروه تبهکاری یا دولتی، استقلال و یا جان دیگری را تهدید کند (کلودزیچ، ۱۳۹۰: ۱۱)؛ در این بین، داعش یا «دولت اسلامی عراق و شام»^۱ یکی از گروه‌های سلفی و تکفیری است که در دو کشور عراق و سوریه شکل گرفت و هم‌اکنون به‌عنوان یکی از جدی‌ترین چالش‌های امنیت بین‌الملل مطرح است. هدف مقاله حاضر بررسی و تحلیل تهدید داعش در حوزه‌های مختلف امنیتی ایران است. ابتدا به‌صورت اجمالی ابعاد اساسی نظریه مکتب امنیتی کپنهاگ به تجزیه و تحلیل فعالیت‌های داعش به‌عنوان تهدیدی برای حوزه‌های مختلف امنیت ایران می‌پردازد.

در مقوله امنیت بازیگرانی که تهدید محسوب می‌شوند باید از طریق شیوه‌های دوگانه اجبار و یا کنار آمدن به شریک یا متعهد تبدیل و یا اینکه خنثی شوند (دهشیار، ۱۳۹۴: ۲). پرواضح است که در خصوص شیوه رفتار با تهدید داعش، باید با نگاهی واقع‌بینانه به تهدیدات آن در حوزه‌های مختلف امنیت، به خنثی‌سازی تهدید اقدام کرد.

مدخل‌ها و پیشینه بحث

منابع عمده در مورد داعش به دلیل نوپدید بودن ظهور و بروز این جریان تکفیری، به سال‌های ۲۰۱۳ میلادی به بعد مرتبط است. در خصوص جریان‌های افراطی در جهان اسلام پژوهش‌گرانی مانند برنارد لوئیس^۲ آثار خود را به رشته تحریر درآورده‌اند که تاکنون بسیاری از این آثار مجال ترجمه به زبان فارسی را نیافته‌اند. از جمله برنارد لوئیس (۲۰۰۲) در اثر خود، پس از وقایع ۱۱ سپتامبر به پیش‌بینی وقایع پرداخته و در ضمن این نوشتار به چگونگی شکاف تمدنی غرب و شرق می‌پردازد.

باید گفت مراکز علمی در سال ۲۰۱۴ و ۲۰۱۵ میلادی، آثاری چند پیرامون داعش منتشر کرده‌اند؛ ولی این آثار به مقدار کافی به آگاهی‌بخشی در مورد داعش و آینده آن کمک نکرده است. برخی از آثار مهم و منتشر یافته عبارت‌اند از: «خلافت داعش (۲۰۱۵) اثر حیثم مناع؛ دولت اسلامی: ریشه‌ها، توحش و آینده (۲۰۱۵) اثر نویسنده و روزنامه‌نگار عرب، عبدالباری عطوان؛ داعش و آینده جهان (۲۰۱۵) اثر عبدالرحمن البکری؛ داعش: برگشتن مجاهد (۲۰۱۵) اثر خبرنگار انگلیسی، پاتریک کوکیرن؛ داعش و خواهرانش (۲۰۱۵) اثر محمد علوش، جهان داعش (۲۰۱۴)

1. ISIS (The Islamic State of Iraq and Al-Sham)

2. Bernard Lewis

اثر کارشناس امنیتی هشام الهاشمی» (اشرف نظری و السمیری، ۱۳۹۴: ۷۹). یکی از آثار در خصوص نوسلفی‌گرایی در منطقه غرب آسیا که مجموعه مقالاتی را در خود جای داده است توسط آندره پلبانی (۲۰۱۴) گردآوری شده است. خود گردآورنده در مقاله نخستین این مجموعه با عنوان «میراث نمایان القاعده در عراق از زرقاوی تا خلافت اسلامی نوظهور» به ریشه‌های خیزش پرداخته و تحولات دخیل عراق و سایر کشورهای منطقه در زمینه شکل‌گیری این خلافت خودخوانده و دگرگونی نیروها و تغییر موازنه در درون خانواده نوسلفی‌گرایی را تبیین می‌نماید. فرمانیان (۱۳۹۳) در کتاب «داعش؛ دولت اسلامی عراق و شام» به ظهور القاعده در عراق، کیفیت روابط بین زرقاوی و بن‌لادن، حمله آمریکا به عراق و عکس‌العمل این گروه‌ها پرداخته است. فرمانیان اعلام موجودیت گروه داعش توسط البغدادی و سلسله رهبران این گروه را بررسی کرده است. وی به وضعیت سیاسی عراق و آغاز حملات داعش، ساختار تشکیلاتی داعش، شخصیت‌های مهم داعش، منابع مالی، عقاید و افکار این گروه نیز به‌طور خلاصه اشاره کرده است (فرمانیان، ۱۳۹۳: ۴-۹).

دولت اسلامی عراق و شام یا به‌طور مخفف داعش (این گروه این نام را وجه تمسخرآمیز و توأم با تحقیری می‌داند که از سوی دشمنان آن در رسانه‌ها عنوان شده است) اشاره به نسخه سازمان‌دهی شده القاعده عراق که توسط ابومصعب الزرقاوی در دهه نخست قرن جاری پایه‌گذاری شده بود، دارد که سپس با پیشروی‌های خود در سوریه و عراق و اعلام خلافت سرکرده این گروه موسوم به ابوبکر البغدادی پس از تسخیر موصل به دولت اسلامی^۱ که مرزهای فرضی خود را تمام گستره جهان اسلام در قالب خلافت اسلامی می‌داند، موسوم شده است (انتصار، ۱۳۹۳: ۱۲).

داعش پس از انشقاق از القاعده در فوریه ۲۰۱۴، در ماه ژوئن شهر موصل را تسخیر کرد و امیر داعش ابوبکر البغدادی احیای یک خلافت را اعلام کرد و سپس داعش شهرت خود را مسلماً به‌عنوان خطرناک‌ترین و قطعاً ثروتمندترین گروه تروریستی جهادی تحکیم کرد (Phillips, 2014: 496). در حقیقت داعش یک جناح خارجی نوپاست که از گروه‌ها، عناصر عملیاتی در سراسر جهان حمایت می‌کند و در حقیقت تهدیدی بلندمدت و راهبردی برای ثبات و امنیت جهان محسوب می‌شود. پس از مداخله ائتلاف بین‌المللی آمریکا در عراق و سوریه در سپتامبر ۲۰۱۴، داعش به‌عنوان رهبر جنبش‌های افراطی و خشونت‌آمیز جایگزین القاعده شد (Bunker & Sullivan, 2015: 254).

رویکردهای نظری مفهوم امنیت در مکتب امنیتی کپنهاگ

هر نظریه و رویکردی مبتنی بر یک سلسله مفروضات و گزاره‌هایی است که بر اساس آن نهادها، فرایندها و پدیده‌های گوناگون مورد بررسی، تجزیه، تحلیل و ارزیابی قرار می‌گیرند (قوام، ۱۳۹۳: ۱۶۷). از سویی دیگر واسکوئز^۱ نظریه را یک گفتمان تعریف می‌کند که درصدد است از میان هر آنچه که اتفاق می‌افتد، حوادث مهم را شناسایی کند (دهقانی فیروزآبادی، ۱۳۹۴: ۱۱۷). متناظر با رویکردهای نظری مکتب کپنهاگ، امنیت به چه صورت و در چه مؤلفه‌هایی تعریف شده است؟ همان‌گونه که اعضای مؤسسه تحقیقات صلح کپنهاگ^۲؛ اوله ویور^۳ و گروهی از نظریه‌پردازان، به بسط نگرشی سازنده در راستای امنیت پرداخته‌اند که حاکی از مسیری جدید در مطالعات مربوط به امنیت است.

نخستین کتاب مکتب کپنهاگ عبارت است از: «امنیت: چارچوب جدیدی برای تحلیل»^۴، به قلم باری بوزان^۵، اوله ویور و جاپ دو ویلد^۶. این کتاب بیانگر چارچوبی جامع از تحلیل مطالعات امنیت است. در این کتاب دیدگاه سنتی به امنیت - که تأکید فراوانی بر مقوله نظامی‌گری و حوزه نظامی دارد- رد می‌شود؛ در عوض، بررسی خصوصیات امنیت به‌طور کل در پنج حوزه در دستور کار قرار می‌گیرد: «نظامی، سیاسی، اقتصادی، اجتماعی و زیست‌محیطی». نویسندگان کتاب بر این عقیده‌اند که امنیت، نوع خاصی از سیاست است که در گستره وسیعی از مسائل کاربرد دارد (Buzan, Waever, & Wilde, 1998: 21-22).

واژه «امنیت‌سازی»^۷ بر اساس مقاله ویور در سال ۱۹۸۹ با عنوان «امنیت، کنش گفتاری: تحلیل سیاست‌های یک واژه»^۸ شکل گرفت. ویور در ابتدا به تعریف امنیت به‌عنوان یک «کنش گفتاری»^۹ پرداخت و نشان داد که معنای امنیت با «گفتمان امنیت»^{۱۰} پیوند دارد.

این به آن معناست که یک مشکل غیرامنیتی می‌توانست صرفاً به‌واسطه روش تفسیر آن بازیگر سیاسی از موضوع، مشکلی امنیتی به نظر برسد؛ به‌عبارت دیگر، بحث اصلی تئوری امنیت‌سازی این است که در روابط بین‌الملل، هنگامی که موضوعی تبدیل به یک مسئله امنیتی می‌شود، علت این نیست که آن موضوع تهدیدی عینی برای کشور محسوب می‌شود؛ بلکه در واقع به این سبب است که یک بازیگر سیاسی چیزی را به‌عنوان یک تهدید وجودی تعریف کرده است؛ بنابراین،

1. Vasquez
2. COPRI
3. Ole Waever
4. Security: A New Framework for Analysis
5. Barry Buzan
6. Jaap de Wilde
7. Securitization
8. Security the Speech Act: Analyzing the Politics of a Word
9. Speech Act
10. Security Discourse

تنها هنگامی یک موضوع تبدیل به موضوعی امنیتی می‌شود که به آن شکل برجسته زده شود. هرچند، بنا بر اظهارات نیکلاس گولور^۱، روش‌شناسی کنش‌گفتاری بسیار محدود است و از اذعان به نقش زمینه فیزیکی در برقراری امنیت بازمی‌ماند (Golver, 2009: 201).

مکتب کپنهاگ تلاش کرده است به «گسترش» و «تعمیق» تعریف امنیت از طریق بیان این موضوع بپردازد که تهدیدات غیرنظامی می‌توانند امنیت، ثبات و بقای کشورها و همچنین زندگی افراد را تضعیف کنند. هرچند برخی دانشمندان به اصطلاح سنتی به مخالفت با دیدگاه «غیرسنتی‌ها» برخاسته‌اند. سنت‌گرایان طرفدار حفظ مفهوم جنگ سرد از امنیت، تعریفی نظامی و دولت‌محور از تهدید امنیتی ارائه می‌کند. استفان والت^۲ برای مثال، دیدگاه سنتی را تشریح می‌کند می‌کند که کاربرد امنیت را محدود به تهدیدات در حوزه نظامی می‌داند؛ بنابراین، او امنیت را معادل با صلح در نظر می‌گیرد و یا به تعبیری بهتر موقعیتی بدون هیچ درگیری نظامی (Walt, 1991: 211-239).

بر اساس پیشرفت‌های انجام‌شده در محیط پساجنگ سرد، دیدگاه سنتی امنیت، مورد انتقاد بسیاری از دانشمندان قرار گرفت. انتقاد اصلی بر تعریف سنتی از یک تهدید امنیتی است که طی آن درگیری بین دولتی، به‌عنوان منبعی از ناامنی تلقی نمی‌شود. طبق نظریات بوزان و هانسن^۳، در بیشتر مدت جنگ سرد، مطالعات امنیتی بین‌المللی به واسطه یک برنامه عمدتاً نظامی تعریف می‌شد؛ اما از دهه ۱۹۷۰ به بعد، هم‌زمان با پیشرفت رقابت تسلیحاتی هسته‌ای، این واژه به واسطه استقرار امنیت اقتصادی، زیست‌محیطی، اجتماعی و انسانی توسعه یافت، و نه یک برنامه نظامی - سیاسی صرف (Buzan & Hansen, 2009: 2).

برخی دانشمندان نظیر ویور (Waever, 1995: 46-86)، محمد ایوب (Ayoob, 1997: 141-146)، مایکل کلر^۴ و دانیل توماس^۵ (Klare & Thomas: 1994, 15)، با گسترش دهندگان تعریف تعریف امنیت موافق‌اند و برخی دیگر نظیر کن بوث^۶ (Booth, 1991: 527-545)، و اسپایک پیترسون^۷ (Peterson, 1992: 31-36) همسوی با تعمیق‌کنندگان تعریف امنیت هستند. برخلاف والت، ایوب پیش‌بینی کرده است که شمار وسیعی از بحران‌های خارجی و داخلی به‌منظور تهدید کشور ایجاد می‌شوند. طبق نظریات وی، «امنیت یا عدم امنیت در ارتباط با آسیب‌پذیری‌های داخلی و خارجی، که ساختارهای کشور را تهدید می‌کنند، یا پتانسیل براندازی یا تضعیف چشمگیر ساختارهای حکومت را دارند، تعریف می‌شوند» (Ayoob, 1997).

1. Nicolas Golver
2. Stephen Walt
3. Michael Klare
4. Daniel Thomas
5. Ken Booth
6. Spike Peterson

145) از سوی دیگر، کلر و توماس مفهوم امنیت را به واسطه درک و دریافت بازیگران دولتی که در مقابل مسائل جهانی کمتر قادر به انجام واکنش هستند، گسترش دادند و اینکه به جای بقای حکومت، امنیت جهانی باید مورد توجه قرار گیرد. بنا بر اظهارات آن‌ها، «امنیت» جهان شامل امنیت اکولوژیک، محیطی و اقتصادی است و نه صرفاً امنیت نظامی؛ بنابراین آن‌ها فرض را بر این گذاشتند که تمام بازیگران به طور مساوی تحت تأثیر تهدیدات جهانی هستند و اینکه برای همکاری و واکنش به این تهدیدات انگیزه دارند (Klare & Thomas, 1994: 17).

امنیت تبدیل به همه چیز مردم می شود و نمی توان آن را به عنوان یک ارزش تحلیلی مستثنی کرد. بنا بر نقل قول مشهور رابرت آرت^۱ در خصوص امنیت به عنوان یک مفهوم علوم اجتماعی، «امنیت به لحاظ معنا مبهم است و بسیار منعطف» (Art, 1993: 820).

در حال حاضر نگرش‌های بسیار متفاوتی در رابطه با نحوه مطالعه و تحلیل امنیت وجود دارد. اگرچه دستیابی به یک توافق جمعی در خصوص روش تعریف امنیت هنوز محقق نشده است؛ شکی وجود ندارد که مکتب کپنهاگ حوزه وسیع تری را برای مفهوم امنیت ارائه کرده و بنابراین دارای کاربرد بیشتری در سیستم جهانی است؛ بنابراین، با توجه به آراء و نظریات مکتب کپنهاگ، در حالی که عوامل عینی و مادی در درک امنیت حائز اهمیت هستند، تحلیل دامنه وسیع تری از امنیت که شامل بخش‌های سیاسی، اقتصادی، اجتماعی و زیست محیطی است، مهم تلقی می شوند. در این رابطه، به منظور مشاهده این موضوع که آیا داعش یک تهدید امنیتی برای ایران به حساب می آید یا خیر، جنبه‌های مرتبط گوناگونی از تهدید امنیتی داعش ضد ایران، بر طبق مکتب کپنهاگ در بخش بعدی این مطالعه مورد ارزیابی قرار می گیرد.

یادآوری این نکته ضروری است که بوزان، اولین نقدهای جدی بر روی رهیافت‌های امنیتی موجود را از اواخر دهه ۱۹۸۰ مطرح ساخت، که بر اساس آن، بقای دولت‌ها یا بازیگران دولتی، فقط توسط اسباب و عوامل نظامی مورد تهدید قرار نمی گیرند؛ بلکه باید سایر حوزه‌های موضوعی - سیاسی، اقتصادی، اجتماعی و زیست محیطی - را نیز بدان اضافه کرد. عوامل اجتماعی نظریه امنیتی مکتب کپنهاگ به ویژه حائز اهمیت‌اند. این امر، موضوع امنیت ملی را به هویت ملی ربط داده و باعث می شود که موضوع مزبور جزء ترکیب کننده امنیت ملی به حساب آید؛ بنابراین اگرچه به طور سنتی، نظریه امنیت ملی به حوزه نظامی وابسته بود، اما امروزه این امنیت ملت‌هاست که به عنوان مهم ترین به وجود آورندگان مفهوم هویت، امنیت ملی را تعیین می نماید (Chena, 2008: 28).

بوزان تأکید اصلی خود را در تحلیل امنیت بر سطح تحلیل منطقه‌ای می گذارد و معتقد است

کشورها باید در سیاست خارجی خود، جایگاه ویژه‌ای به «ابعاد منطقه‌ای امنیت» اختصاص داده و امنیت را در ابعاد چندبعدی آن پیگیری نمایند؛ به عبارت دیگر، وجه تمایز اصلی او، مطالعات امنیتی دوران پساجنگ سرد از دوران جنگ سرد، وسعت دامنه امنیت و شمولیت موضوعاتی مانند مهاجرت، سازمان‌های جنایی (تروریستی) فراملی و فروملی و محیط زیست و رفاه اقتصادی است که قبلاً در تعاریف امنیتی لحاظ نمی‌شدند (طباطبایی، ۱۳۹۳: ۲۱).

پرسش اساسی آن است که «پدیده داعش به عنوان یک تهدید، چه نسبتی با امنیت ایران دارد؟»

در پاسخ به این سؤال، برهان اصلی نوشتار حاضر بر این فرضیه استوار است که داعش پدیده‌ای ضد امنیتی برای ایران محسوب می‌شود و بر اساس رویکردهای مکتب کپنهاگ، جنبه‌های مختلف نظامی، سیاسی، اقتصادی، اجتماعی و زیست‌محیطی ایران را مورد تهدید قرار خواهد داد.

این نوشتار با بهره‌گیری از رهیافت نوین مکتب کپنهاگ در مطالعات امنیتی و تلاش متفکران آن بر خروج از امنیت تک‌بعدی نظامی و طرح امنیت فراگیر در پی ظهور تهدیدات جدید است؛ بنابراین با توجه به رویکرد تخصصی این مکتب در تحلیل امنیت، می‌تواند به عنوان الگویی مناسب در تحلیل مسائل امنیتی معاصر باشد (ابراهیمی، ۱۳۸۶: ۴۴۵).

تحلیل تهدیدات و فرصت‌های داعش بر امنیت ایران با تکیه بر مکتب کپنهاگ

در پی سقوط صدام در سال ۲۰۰۳ و وضعیت آشفته حاکم بر عراق، تأثیر مسائل عراق بر امنیت ایران افزایش یافته است. عمده تهدید امنیتی مهم و جاری از جانب این کشور ضد ایران، ظهور جریان تکفیری داعش است. وضعیت جدید عراق، مسائل امنیتی جدیدی را برای ایران ایجاد کرده است. از سویی نگاهی به حوادث و وقایع دو کشور پاکستان و افغانستان، دو کشور همسایه، که درگیر مسائل ضد امنیتی متنوعی هستند، نمایانگر حضور جدی داعش در این دو کشور است؛ حضوری که روزبه‌روز دچار اوضاع پیچیده‌تری می‌شود؛ بنابراین داعش توانسته است به صورت فزاینده حضور خود را در مناطق شرقی و غربی هم‌جوار ایران گسترش دهد.

با توجه به افق‌های ساختارگرایانه مکتب کپنهاگ، ناامنی‌های به وجود آمده در مناطق پیرامونی ایران، امنیت آن را در حوزه‌های نظامی، سیاسی، اقتصادی، اجتماعی و زیست‌محیطی تهدید می‌کند (Aghazadeh Khoei, 2015: 4-5). به منظور شفافیت بیشتر ابعاد پنج‌گانه امنیت، در ذیل به معرفی آن‌ها پرداخته و آثار ضد امنیتی داعش بر امنیت ایران در هر یک از این مقوله‌ها و ابعاد سنجیده و به طور جداگانه به بررسی مسائل اصلی تأثیرگذار بر این جنبه‌ها پرداخته می‌شود.

بُعد نظامی

بُعد نظامی کلاسیک‌ترین برداشت از مفهوم امنیت است که در دوران جنگ سرد نیز به لحاظ ساختار دوقطبی^۱ و رقابت دو بلوک، حائز اهمیت بود. بعد از جنگ سرد، از اهمیت این بُعد کاسته نشد؛ اما به نوعی، عملکردش در بحران‌های منطقه‌ای بالکان نمایانگر پذیرش سایر ابعاد امنیت همچون امنیت اجتماعی در کنار بُعد مزبور بود (Adler, 2008: 13).

در نگاه کلی تهدیدات نظامی، مرکز سنتی نگرانی‌ها مربوط به امنیت ملی است. معمولاً اقدام نظامی می‌تواند همه اجزای دولت را تهدید کند و در عمل نیز این گونه است (بوزان، ۱۳۹۰: ۱۴۱). بی‌تردید به‌منظور رخ‌نمایی توان بازدارندگی و نظامی، ایران باید هزینه‌های فراوانی را چه در حوزه مرز و چه در حوزه نزدیک به مرز متحمل شود. اساساً وارد شدن به جنگ نظامی و عینی شدن هزینه‌ها و ظرفیت‌های بسیاری را مشغول خود می‌سازد و در نگاهی فرض‌گرایانه در صورت مواجهه نظامی ایران با داعش، در بعد نظامی تهدیدات فراوانی با توجه به تجارب صحنه‌ای داعش از نبرد در چند کشور هم‌جوار ایران، متصور است.

همواره یکی از دغدغه‌ها و مسائل امنیتی ایران، حفظ امنیت نسبی در هیاهوی بی‌نظمی و ناامنی کشورهای همسایه و هم‌جوار بوده است. تاریخ ایران پر از حادثه بوده است؛ این واقعیت جزء متواترات تاریخ ماست. برحسب آمار حدود ۱۲۰۰ جنگ با مقیاس بزرگ و هزاران جنگ منطقه‌ای و محلی در تاریخ ایران رخ داده است (فراستخواه، ۱۳۹۴: ۱۲۴). صرف‌نظر از ضعیف یا قوی بودن دولت، همواره هزینه‌های سنگین انسانی و اقتصادی اقدامات نظامی به قوت خود باقی هستند (بوزان، ۱۳۹۰: ۱۴۱).

اما دیدگاه «فرصت‌محور» رویکردی دیگر به تأثیر پدیده داعش بر امنیت نظامی ایران دارد. می‌توان عنوان داشت که عملیاتی شدن آموزش‌ها و آگاهی از انواع استراتژی‌ها و تاکتیک‌های جنگ شهری و چریکی در صحنه نبرد، به رخ کشیدن قابلیت‌های مستشاری نیروهای نظامی ایران، عملیاتی کردن آموخته‌های نیروهای جدید و جوان که امکان تجربه‌اندوزی از میدان‌های نبرد نظیر جنگ تحمیلی را نداشتند، افزایش مانورهای گسترده نظامی با هدف ارتقاء توان بازدارندگی، از آن جمله است.

بعد سیاسی

در حوزه امنیت سیاسی شاید برجسته‌ترین ابعاد امنیت سیاسی، بحث حاکمیت و نهادهای برآمده از آن باشد (طباطبایی، ۱۳۹۳: ۲۸). همواره تهدید سیاسی متوجه ثبات سازمانی دولت است. هدف از

تهدید ممکن است از فشار بر حکومت در مورد سیاست خاصی گرفته تا واژگونی حکومت، جدایی طلبی و برهم زدن بافت سیاسی دولت برای تضعیف آن پیش از تهاجم نظامی، متفاوت باشد. ایده دولت، به خصوص هویت ملی و ایدئولوژی سازمان دهنده و نهادهایی که نمود آن هستند، اهداف عادی تهدید سیاسی به شمار می‌روند. چون دولت اصولاً موجودیتی سیاسی است، تهدید سیاسی امکان دارد به همان اندازه تهدید نظامی هراس‌انگیز باشد.

تهدید سیاسی از افکار و سنت‌هایی که توجیه اصلی آنارشی بین‌المللی محسوب می‌شود، ناشی می‌گردد. نظر به بنیادی بودن تعارضات این ایدئولوژی‌ها، دولتی که طرفدار یکی از آنهاست از جانب سایرین احساس تهدید می‌کند. رقابت بین ایدئولوژی‌ها، بسیار پیچیده است. این امر، تعریف دقیق تهدید جدی سیاسی در سطحی را که شایسته عنوان امنیت ملی باشد، با مشکل مواجه می‌سازد؛ در این بین، تهدیدات هویت ملی واضح‌تر است. این نوع تهدید شامل تلاش برای گسترش جدایی هویت فرهنگی و قومی بین گروه‌ها در کشور هدف است. لازم است بین موارد عمدی تهدید سیاسی اعم از ایدئولوژیکی یا ملی و مواردی که صرفاً ناشی از اثر راه‌های جایگزین خارجی بر مشروعیت دولت‌هاست، تفکیک قائل شویم (بوزان، ۱۳۹۰: ۱۴۳-۱۴۴).

در خصوص داعش، نگاه به آرمان‌های اعلام شده از سوی آن و اندیشه‌های سیاسی که برمدار آن رشد یافته، نمایانگر قصد براندازی حکومت‌های ملی و قائل بودن به حاکمیت اسلامی منطقه از منظر این جریان تکفیری است. از طرفی مسئله قومیت و افراط‌گرایی قومی همواره تهدیدی برای کشورهای درگیر با این پدیده محسوب می‌شود. در این بین، مسئله تجزیه‌طلبی یکی از مقوله‌های تهدیدکننده متداول امنیت کشورهای نظیر ترکیه، عراق، سوریه و ایران است. نکته‌ای که به نظر می‌رسد باید نگاه‌های کلان، به صورت عمیق، مسئله تهدید داعش را تحلیل نماید؛ این مسئله است که با فرض عملی شدن تهدید داعش و ایجاد بی‌نظمی در مرزهای ایران، چه واکنشی از سوی گروه‌های تجزیه‌طلبی نظیر جیش‌العدل، پژاک، خلق عرب که بعضاً زمینه‌های همگرایی با تروریسم بین‌الملل را دارند، شاهد خواهیم بود؟

در قیاس با کشورهای دیگری که ذکر شد، کردها در عراق، نقش پیچیده‌تری در امنیت کشور ایفا می‌کنند که بر امنیت همسایگان آن نیز تأثیر می‌گذارد. در حدود ۱۵ تا ۲۰ درصد از جمعیت عراق را کردها تشکیل می‌دهند (CIA, 2014) و آنان در میان گروه‌های اولیه‌ای قرار دارند که برای ایجاد حکومت فدرال در عراق، دولت این کشور را تحت فشار قرار می‌دهند. از سوی دیگر، بنا بر شواهد موجود در چند سال اخیر به احتمال فراوان پ.ک.ک.^۱ و پژاک^۲ در بزنگاه‌های حساس به صورت

۱. حزب کارگران کردستان ترکیه که به صورت مسلحانه ضد دولت ترکیه فعال است.

۲. حزب حیات آزاد کردستان که در مناطق غرب ایران، فعالیت‌های تجزیه‌طلبانه را دنبال می‌کند.

متحد تهدیدی برای کشورهای درگیر با این موضوع عرض‌اندام خواهند کرد که در نتیجه موجب تضعیف انسجام دولت‌های ایران، عراق و ترکیه خواهند شد (Aghazadeh Khoei, 2015: 3).

ساختار فکری و عملی داعش مبتنی بر قرائتی تجهیزیتی و ایدئولوژیک از اسلام است که دارای ریشه‌های تاریخی و عقیدتی و پشتوانه فکری رادیکال در تاریخ اسلام، منابع مادی-انسانی و آگاهی گسترده از عوامل جغرافیایی-سیاسی است و برای استمرار بنیان‌های فکری خود به دنبال بهره‌گیری از راهبرد دولت‌سازی است (اشرف نظری، ۱۳۹۴: ۸۰).

شاید داعش در واقعیت، بنیان‌های فرضی برای تشکیل حکومت را داشته باشد و برخوردار از سه عامل تشکیل‌دهنده آن (سرزمین، جمعیت و حکومت) باشد؛ اما به دلیل نبود عنصر «حاکمیت و شناسایی» نتوانسته است به‌عنوان دولتی مستقل ظهور یابد. نکته مهم‌تر اینکه، داعش بیش از اینکه تشکیل دولت داشته باشد، درصدد ارائه الگویی متفاوت از ساختار کنونی نظام بین‌الملل و اعاده ساختار خلافت است. پروژه البغدادی برای تحقق استراتژی سازمانی داعش دارای سه مرحله است: مرحله اول یا همان مرحله صولت (تاخت‌وتاز)، مرحله درگیری با رزمندگان گروه‌های دیگر و سپس مرحله گرفتن بیعت اجباری از تمامی رزمندگان در مناطق تحت نفوذ خود است. چنین کاری بر مبنای عقیده اسلامی در (حرمت تعدد پرچم‌ها در زمان تشکیل دولت اسلامی است؛ یعنی برپایی هر سازمان دیگر یا گروه‌ها و احزاب که هنوز با البغدادی بیعت نکرده و در زیر سلطه وی نیستند، حرام است؛ چراکه تشکیل چنین گروه‌هایی دولت اسلامی فرضی را ضعیف می‌سازد (اشرف نظری و السیمری، ۱۳۹۴: ۸۰).

اما مؤلفه‌هایی که رویکرد فرصت‌محور را در بخش سیاسی عرضه می‌کند، عبارت‌اند از: افزایش اعتبار اتحادهای دوجانبه و چندجانبه منطقه‌ای بین ایران و متحدان منطقه‌ای خود در قالب جبهه مقاومت و همچنین نقش پررنگ و برجسته همکاری‌های ایران و روسیه که استراتژیک بودن این متحدان برای ایران را به جامعه جهانی نشان داد. از سوی دیگر دولت‌های فرومانده عراق و سوریه اعتبار، توانایی و تناسب اقدامات جمهوری اسلامی ایران را به‌وضوح درک کردند. هرچند که ممکن است طرفین عراقی و سوری این اقدامات را در قالب منطق استراتژیک درک نکنند، چون از دیدگاه واقع‌گرایان اتحادها مصلحتی و موقتی است.^۱

از طرفی در ابعاد منطقه‌ای توانایی جمهوری اسلامی ایران به‌عنوان جزیره ثبات در منطقه‌ای ساختارشکن و بی‌ثبات به‌نوعی عرض‌اندام کرده است.

در مقوله مشروعیت یافتن دفاع ایران از سوریه نیز هجوم عناصر تکفیری به دولت بشار اسد و عملیات گسترده آن‌ها در خاک سوریه و حمایت همه‌جانبه غرب و برخی از کشورهای

1. <http://www.irdiplomacy.ir>

منطقه از گروه‌های تروریستی، سبب ویرانی و کشتارهای وحشتناکی در سوریه برای مردم و دولت این کشور گردید. در این عرصه اکثر کشورهای جهان به تبعیت از غرب، رژیم صهیونیستی و سران برخی کشورهای منطقه، طبل نابودی بشار اسد را کوبیدند و هم‌صدا شدند تا دولت قانونی و برآمده از آرای مردم سوریه را از بین ببرند. در این میان تلاش‌های سیاسی و دیپلماتیک مسئولین ایران همواره در جهت حمایت از مردم و دولت سوریه قرار گرفته بود و هست (مینایی، ۱۳۹۴: ۱-۲). تلاش دولت ایران در ایجاد ثبات در سوریه موجب شد که چندین اجلاس بین‌المللی در ایران با حضور مخالفان سوری برگزار شد. ایران با اتخاذ سیاست مناسب و هوشمندانه و نیز پشتیبانی همه‌جانبه از دولت سوریه، موجبات تضعیف گروه‌های تروریستی در سوریه را فراهم کرد.

بعد اقتصادی

در حوزه امنیت اقتصادی می‌توان عنوان کرد که بی‌شک تهدید اقتصادی، سخت‌ترین و پیچیده‌ترین تهدیدات در چارچوب امنیت ملی است (بوزان، ۱۳۹۰: ۱۴۸). رابطه بین قابلیت اقتصادی و نظامی بسیار شناخته شده است. قابلیت نظامی دولت به توانایی تأمین کالاهای مهم راهبردی و حمایت از نیروهای مسلح وابسته است (بوزان، ۱۳۹۰: ۱۵۱).

در پی تحریم‌های اقتصادی بین‌المللی ضد ایران، رشد تولید نفت خام عراق، سهم ایران از بازار نفت خام را به خطر انداخته است. از سوی دیگر، داعش در عراق، تمایل خود را برای هدف قرار دادن تأسیسات نفتی اعلام کرده است و تاکنون چندین و چند عدد از امکانات انرژی را در بخش شمالی این کشور به تصرف خود درآورده است؛ از جمله بزرگ‌ترین پالایشگاه نفتی عراق در بایجی^۱ (Nordland & Al-Salhy, 18 June 2014). بنا بر اعلام خزانه ایالات متحده، داعش از محل فروش نفت خام به ترکیه، اقلیم کردستان عراق و بشار اسد در سوریه روزانه یک میلیون دلار درآمد دارد (FinancialTimes, 24 October 2014). مشکلات اقتصادی ایران که ناشی از تحریم‌های اقتصادی بین‌المللی است، موجب محدود شدن توانایی آن در دخالت و کنترل بر این وضعیت شده است. فروش نفت خام داعش در بازار سیاه نه تنها بر درآمد نفتی ایران تأثیرگذار است، بلکه همچنین به خودکفایی داعش کمک می‌کند و منابع مالی کافی برای جذب نیروی انسانی بیشتر و انجام حملات آتی در اختیار این جریان تکفیری قرار می‌دهد. از سوی دیگر یکی از مسائل برجسته در این بزنگاه، بحث امنیت انرژی است (Kirshner, 1998: 32). امنیت انرژی یکی از چالش‌های جدید مسائل امنیتی است که با پیشرفت

1. Baiji

اقتصاد جهانی و افزایش نیاز به منابع انرژی و سوخت‌های فسیلی، انتقال آن‌ها بسیار مهم است. تهدید جریان انرژی، منجر به تهدید اقتصاد ملی کشورهای وابسته به نفت می‌شود. مقابله با چالش‌های احتمالی تهدید امنیت منابع نفتی و خطوط انتقال آن و حفاظت از منابع انرژی و راه‌های مواصلاتی یکی از ضروریات امنیت اقتصادی است (طباطبایی، ۱۳۹۳: ۳۰).

از نگاهی دیگر و از دریچه فرصت‌محور، حضور داعش در عراق یک فرصت اقتصادی برای ایران در برخی از استان‌های مرزی واقع در غرب کشور ایجاد کرد. فرصتی که به‌واسطه حضور گروهک تروریستی داعش در عراق و تحریم کالاهای کشورهای ترکیه و عربستان برای ایران در بازار عراق ایجاد شد. در پی حضور و نفوذ داعش در عراق مردم این کشور کالاهای وارداتی از ترکیه و عربستان را تحریم کردند و در حرکتی هماهنگ اعلام کردند که کالاهای این دو کشور را نخرند. این اقدام علاوه بر اینکه یک فرصت اقتصادی را برای ج.ا.ایران به ارمغان آورد و موجب ارزآوری فراوانی برای ایران گردید. طبق آمار گمرک، تراز تجاری جمهوری اسلامی ایران و عراق ۹۸/۵ درصد به نفع ایران است و عراق، دومین شریک تجاری ایران محسوب می‌شود و یکی از دو کشوری است که تراز تجاری ایران نسبت به آن مثبت است؛ یعنی میزان صادرات ایران به این کشور بیشتر از میزان واردات به ایران است (مینایی، ۱۳۹۴: ۱-۲)؛ همچنین موجب شد دو کشور رقیب ایران حضور اقتصادی خود را در عراق کم‌رنگ ببینند، که این نیز فرصت مغتنمی برای ایران بود تا قدرت منطقه‌ای خود در عرصه اقتصادی را نیز تقویت نماید. از دیگر فرصت‌های اقتصادی می‌توان مواردی نظیر بروز قابلیت‌هایی در زمینه‌های توریسم درمانی، مصالح ساختمانی، خدمات فنی و مهندسی، دارو و تجهیزات پزشکی و کالاهای کشاورزی و مواد غذایی در بازار کشورهای نظیر عراق و سوریه، اشاره کرد.

بعد اجتماعی

بعد اجتماعی امنیت به معنای بازخوانی آن از لحاظ کیفیت حیات اجتماعی، هویت و هنجارهاست (Chena, 2008: 32). امروزه دیگر امنیت ملی صرفاً در بُعد نظامی خلاصه نمی‌شود و چه‌بسا که نبود امنیت اجتماعی و تهدیداتی که متوجه شهروندان است، مانند کاهش امید به زندگی، مهم‌تر از امنیت نظامی برای امنیت ملی است (طباطبایی، ۱۳۹۳: ۳۲). چنانکه تهدید اجتماعی را به‌راحتی نمی‌توان از تهدید سیاسی جدا کرد. در روابط بین دولت‌ها، تهدید خارجی مهم در سطح اجتماعی به حمله هویت ملی مربوط می‌شود که در زمره ملاحظات سیاسی قرار می‌گیرد.

مشکل اصلی تهدیدات اجتماعی از لحاظ امنیت ملی این است که اغلب آن‌ها در داخل کشور واقع شده‌اند. از آنجا که اصولاً امنیت اجتماعی به الگوهای سنتی زبان، فرهنگ، هویت مذهبی و قومی و رسوم مربوط است، این ارزش‌ها اغلب از داخل کشور مورد تهدید قرار می‌گیرند.

بی‌تردید از منظر تأثیرگذاری داعش بر افکار عمومی در اجتماع، شاهد پدیده‌ای کم‌نظیر بوده‌ایم. سیاست بهره‌گیری از رسانه‌های جدید و شبکه‌های اجتماعی نظیر فیس‌بوک، توئیتر و تلگرام و راه‌اندازی «شبکه دابق» و مجله‌ای با همین عنوان در سطح جهانی^۱، تکیه بر اصل غافلگیری و انجام حملات برق‌آسا، انجام اقدامات خشن و رعب‌آور، قائل بودن به نوعی رسالت الهی و نوعی بازگشت‌ناپذیری مذهبی، چندرگه بودن هویت اعضا و ایجاد ظرفیت‌های جذب بین‌المللی، فراملی بودن ایده‌ها و اندیشه‌های آن‌ها موجب شده است که سیر رشد آن‌ها تصاعدی شود (اشرف نظری و السمیری، ۱۳۹۴: ۷۹).

داعش سیاست‌های ویژه جذب نیرو را در پیش گرفت و ارتش بزرگی از کاربران شبکه‌های اجتماعی را برای ترویج تفکر، جذب نیرو و پیگیری و انتشار افکار و اخبار داعش به کار گرفت (اشرف نظری و السمیری، ۱۳۹۴: ۱۰۳).

در حوزه تهدید اجتماعی توسط داعش؛ به نظر می‌رسد یکی از مهم‌ترین مسئله‌ها؛ بحث درگیری بین شیعه و سنی است. به‌منظور ارزیابی بحران داعش و سهم آن در ایجاد تهدید برای ایران، باید ابتدا به ساکن خواسته واقعی آن‌ها را درک کرد. داعش به دنبال استقرار یک دولت اسلامی است که در آن بتواند تفکرات افراطی خود را اجرا کند. داعش نه تنها درگیر جنگ با غرب است، بلکه همچنین ضد مسلمانان شیعه و حتی مسلمانان سنی میانه‌رو نیز در حال جنگ است (Aghazadeh Khoei, 2015: 5). نابودی تمامی مسلمانان و اقلیت‌های غیرمسلمان در خاورمیانه، هدفی است که رهبران داعش به دنبال آن هستند. آنچه که در مواضع داعش به نظر می‌آید این است که هدف اول شیعیان هستند که عمدتاً در ایران، عراق و بحرین اقامت دارند (Rashid, 2014: 25). بنا بر درک داعش از اسلام، «شیعیان حتی مسلمان هم نیستند» و بنابراین کشتار شیعیان را بر اساس اعتقادشان، مشروع می‌دانند (Ghilan, 2014: 132). بر اساس گزارش حقوق بشر سازمان ملل متحد، ۶۷۰ اسیر شیعه داعش در ۱۰ ژوئن ۲۰۱۴ کشته شدند (United Nations, 2014: 50).

پس از افزایش قابل ملاحظه درگیری‌های فرقه‌ای در غرب آسیا، وزیر امور خارجه ایران؛

۱. مجله دابق صرفاً یک مجله تبلیغاتی نیست، بلکه درصدد صورت‌بندی آینده خلافت اسلامی است و مهم‌تر اینکه تشریح می‌کند که خلافت اسلامی چگونه راهبرد جهانی خود را شکل می‌دهد (Gambhir, 2014: 41).

محمدجواد ظریف، اعلام کرد که درگیری میان سنی‌ها و شیعیان «جدی‌ترین تهدید امنیتی نه تنها برای منطقه، بلکه در مقیاسی وسیع‌تر برای تمام جهان است. اختلاف فرقه‌ای در جهان اسلام تهدیدی برای همه ما به حساب می‌آید.» (BBC News, 2013). از همین روی داعش برای ایجاد شکاف بین شیعه و اهل تسنن سرمایه‌گذاری کرده است و مانند دیگر گروه‌های تکفیری برای رسیدن به اهدافشان به اقدامات جنایی مثل گردن زدن متوسل شده است (Bunker & Sullivan, 2015: 251).

یکی از فرصت‌هایی که بعد از ظهور و فعالیت داعش شاهد آن بوده‌ایم «ارتقاء جایگاه مرجعیت دینی» در افکار عمومی تشیع است. پس از حضور داعش در عراق و تصرف تعدادی از شهرهای این کشور آیت‌الله سیستانی، مرجع تقلید شیعه، از شیعیان درخواست کرد تا «سلاح بردارند و با پیکارجویان افراطی مبارزه کنند». در مواضع ایشان شاهد بودیم که عنوان داشتند: «شهروندانی که قادر به حمل اسلحه هستند، وظیفه دارند که در دفاع از کشور و مردم خود و اماکن مقدس، به نیروهای امنیتی کشور پیوندند». پس از فتوای آیت‌الله سیستانی مبنی بر دفاع از عراق در برابر داعش بسیاری از مردم عراق برای مبارزه ضد این گروه تروریستی داوطلب شدند. برخی از مردم با پیوستن به گروه‌های شبه‌نظامی شیعه برای مبارزه ضد داعش اعلام آمادگی کردند (مینایی، ۱۳۹۴: ۱-۲) و در مجموع از منظرگاه اجتماعی و هویتی، ارزش‌های مذهبی و دینی رخ عیان کرد.

بعد زیست‌محیطی

تهدید زیست‌محیطی امنیت ملی، همانند تهدیدات نظامی و اقتصادی به پایگاه مادی دولت لطمه می‌زند و شاید تا جایی پیش رود که ایده دولت و نهادهای آن را تهدید کند. از لحاظ سنتی به تهدیدات زیست‌محیطی به گونه‌ای نگریسته می‌شد که گویا اتفاقی هستند و به ندرت رخ می‌دهند و بخشی از شرایط طبیعی زندگی‌اند؛ بیشتر از آنکه بتوانند در دستور کار امنیت ملی قرار گیرند، به سرنوشت مربوط هستند. این بخش شامل تلاش انسان ضد محیط زیست و طبیعت است (بوزان، ۱۳۹۰: ۱۵۶). طرح امنیت زیست‌محیطی به علت فراگیر بودن بحث آن، سبب گردیده تا این بُعد از امنیت که در گذشته به آن توجه نمی‌شد، در کانون توجه قرار گیرد. توسعه سلاح‌های جدید با فناوری بالا، تغییرات آب و هوایی، کمبود آب، خطرات بهداشتی و نیازهای روبه‌رو رشد، انرژی، شاخص‌های اصلی شکل‌دهنده این بُعد از امنیت‌اند (طباطبایی، ۱۳۹۳: ۳۳).

در حوزه امنیت زیست‌محیطی باید اذعان داشت که داعش با توجه به روند طغیان‌وار بی‌قید و شرط، قابلیت ایجاد تهدید و آسیب‌های فراوان در عرصه زیست‌محیطی را داراست.

آنچه که از داعش نسبت به تخریب بی سابقه آثار باستانی، اماکن شاخص و مذهبی و سایر نقاط شهر به عنوان سابقه ماندگار برجای مانده است، حاکی از جدی بودن این تهدید خطرناک است. حتی به نظر می رسد که تهدیدات بیولوژیکی و بیوتروریسمی داعش نیز دور از تصور نخواهد بود.

اگرچه بیشترین آسیب های داعش متوجه کشور عراق و سوریه است اما بدون تردید این اقدامات بر محیط زیست ایران اثرگذار خواهد بود؛ برای مثال، بی تردید حضور داعش در مناطق مرز مشترک ایران و عراق تمامی اقداماتی را که می تواند منجر به تثبیت خاک شود، زیر سؤال می برد و نتیجه آن، افزایش ریزگردها در ایران خواهد بود. آنچه در خصوص تهدیدات احتمالی داعش در حوزه زیست محیطی ایران، البته در صورت بالفعل شدن این تهدید در جغرافیای سرزمینی ایران، می توان پیش بینی کرد، عبارت اند از:

تأثیرات منفی بر آب و هوای کشور؛ متروکه شدن و رها شدن زمین های کشاورزی و باغداری؛ تخریب و انفجار سدها و بروز فاجعه های محیطی و انسانی، و آلودگی آب های روان و سفره های آب زیرزمینی. مواردی که می تواند آسیب های جدی به ساختارهای بنیادین و حیاتی یک کشور وارد نماید.

نتیجه گیری

امنیت اجتماعات بشری به پنج مقوله نظامی، سیاسی، اقتصادی، اجتماعی و زیست محیطی تقسیم می شود. بر اساس آنچه بوزان عنوان داشته، به طور کلی امنیت نظامی به اثرات متقابل توانایی های تهاجمی و دفاعی مسلحانه دولت ها و نیز برداشت آن ها از مقاصد یکدیگر مربوط است. امنیت سیاسی ناظر بر ثبات سازمانی دولت ها، نظام های حکومتی و ایدئولوژی هایی است که به آن ها مشروعیت می بخشد. امنیت اقتصادی یعنی دسترسی به منابع و بازارهای لازم برای حفظ سطوح قابل قبولی از رفاه و قدرت دولت. امنیت اجتماعی به قابلیت حفظ الگوهای سنتی زبان، فرهنگ، مذهب، هویت و عرف ملی، با وضعیت قابل قبولی از تحول مربوط است. امنیت زیست محیطی ناظر است بر حفظ محیط به عنوان سیستم پشتیبانی ضروری که تمامی حیات بشری بدان متکی است. این پنج بخش جدا از یکدیگر عمل نمی کنند. هر یک از آن ها دارای کانون مهمی در درون مسئله امنیت و روشی برای تنظیم اولویت ها بوده و از طریق ارتباطات قوی به یکدیگر متصل هستند.

تهدیدات نظامی هنوز هم در تفکر امنیتی دارای برتری نظری هستند و تا زمانی که سیاست

بین‌المللی با ساختار آنا‌رشی همراه است، اهمیت حیاتی آن‌ها تداوم خواهد داشت؛ اما در عمل و به‌خصوص برای کشورهای توسعه‌یافته، میزان اهمیت آن‌ها در مقایسه با تهدید سایر جنبه‌ها در حال کاهش است.

در بخش اول مقاله سعی شد به ابعاد اساسی نظریه مکتب امنیتی کپنهاگ پرداخته شود. بخش دوم به تجزیه و تحلیل فعالیت‌های داعش به‌عنوان تهدید و همچنین فرصت برای حوزه‌های مختلف امنیت ایران اختصاص یافت. در این اثناء از طریق تبیین تجزیه و تحلیل داده‌های موجود در بستر نمای نظری مکتب کپنهاگ تأییدکننده این فرضیه است که حضور و نفوذ داعش در منطقه از منظر امنیتی به‌مثابه شمشیری دولبه برای امنیت ایران عمل می‌نماید که در صورت عدم توجه به هر تیغه، تحلیل تأثیر وجود داعش بر امنیت ایران ناقص و نارسا خواهد بود. بنابراین باید با نگاه رصد و شناسایی تهدیدها و تثبیت فرصت‌ها، نگاهی هم‌افزا و پویا به مقوله امنیت داشت.



منابع

الف) فارسی

- ابراهیمی، نبی‌الله. (۱۳۸۶). «تأملی بر مبانی و فرهنگ مکتب کپنهاگ»، فصلنامه سیاست خارجی، شماره ۸۲.
- اشرف نظری، علی، السمیری، عبدالعظیم. (۱۳۹۴). «بازخوانی هویت دولت اسلامی در عراق و شام (داعش): فهم زمینه‌های فکری و سیاسی - اجتماعی»، فصلنامه علوم سیاسی، سال هفدهم، شماره ۶۸.
- انتصار، نادر. (۱۳۹۳). «نقش نقشبندیه در بحران عراق»، ماهنامه همشهری ماه، شماره ۱۲۲.
- بوزان، باری (۱۳۹۰). مردم، دولت‌ها و هراس، ترجمه پژوهشکده مطالعات راهبردی، تهران: پژوهشکده مطالعات راهبردی.
- دهشیار، حسین. (۱۳۹۴). «شاکله استراتژی امنیتی ایران»، فصلنامه سیاست جهانی، دوره ۴، شماره ۳.
- دهقانی فیروزآبادی، سید جلال. (۱۳۹۴). نظریه‌ها و فراتنظریه‌ها در روابط بین‌الملل، تهران: نشر مخاطب.
- طباطبایی، محمدجواد؛ فتحی، سیدمحمد. (۱۳۹۳). «تحوّل مفهوم امنیت در ناتو پس از جنگ سرد بر اساس مکتب کپنهاگ»، فصلنامه مطالعات راهبردی جهانی شدن، سال پنجم، شماره چهاردهم.
- فراستخواه، مقصود. (۱۳۹۴). ما ایرانیان، تهران: نشر نی.
- فرمانیان، مهدی. (۱۳۹۳). داعش دولت اسلامی عراق و شام، تهران: کمال‌الملک.
- قوام، عبدالعلی. (۱۳۹۳). کاربرد نظریه‌های روابط بین‌الملل، تهران: انتشارات دنیای اقتصاد.
- کلودزیچ، ادوارد. (۱۳۹۰). امنیت و روابط بین‌الملل، ترجمه نادر پورآخوند، تهران: پژوهشکده مطالعات راهبردی.
- سایت دیپلماسی ایرانی. (۱۳۹۴). «چالش‌ها و فرصت‌های ظهور داعش بر ایران»، منتشرشده در ۲ خردادماه ۱۳۹۴، قابل دسترسی در آدرس اینترنتی: <http://www.irdiplomacy.ir>، بازدید: ۱۵ خرداد ۱۳۹۴.
- مینایی، حسین. (۱۳۹۴). «تهدیدها و فرصت‌های داعش برای ایران»، مرکز مطالعات بین‌المللی صلح، منتشرشده در ۲۰ اردیبهشت ۱۳۹۴، قابل دسترسی در آدرس اینترنتی: <http://www.ips.org>، بازدید: ۱۰ خرداد ۱۳۹۴.

ب) انگلیسی

- Adler, E. (2008). "The Spread of Security Communities: Communities of Practice", Self-Restraint and Nato's Post- Cold War Transformation, *European Journal of International Relations*, Vol. 14 No. 2.
- Aghazadeh Khoei, M. (2015). "Iran's Security and the Islamic State Through the Lenses of the Copenhagen School", *Studies in Conflict & Terrorism*, Vol. 38.
- Art, R. (1993). *Security, The Oxford Companion to Politics of the World*, New York and Oxford: Oxford University Press.
- AYOUB, M. (1997). "Defining Security: A Subaltern Realist Perspective". In KRAUSE K. & WILLIAMS M. (Eds.), *Critical Security Studies: Concepts and Cases* (pp. 121-146). University of Minnesota Press. Retrieved from <http://www.jstor.org/stable/10.5749/j.ctttv088.9>, (visited: 23, April/2015).
- BBCNews. (2013), "Iran FM: Sectarian Strife is Worst Threat in World", November 11, Retrieved from <http://www.bbc.com/news/world-middle-east-24893808>, (visited: 7, October/2015).
- Booth, K. (1991). "Security in Anarchy: Utopian Realism in Theory and Practice", *International Affairs*, No. 67.
- Bunker, R. J. & Sullivan, J. P. (2015). *Counterterrorism Bridging Operations and Theory*, Bloomington: iUniverse.
- Buzan, B. & Hansen, L. (2009). *The Evolution of International Security Studies*, New York: Cambridge.
- Buzan, B. Waver, O. & Wilde, J. D. (1998). *Security: A New Framework for Analysis*, Lynne Rienner.
- Chena, S. (2008). "L' E Cope De Copenhaguen Relations Internationales", in *Revue Asylon*, No. 4.
- CIA (2014). "The World Fact Book: Iran", Retrieved from <https://www.cia.gov/library/publications/the-world-factbook/geos/iz.html>. (visited:13, March/2015).
- Financial Times. (24 October 2014). "ISIS Sells Smuggled Oil to Turkey and Iraqi Kurds, Says US Treasury", *Financial Times*, <http://www.ft.com/intl/cms/s/0/6c269c4e-5ace-11e4-b449-gyh00144feab7de.html#axzz3Nr84EcfQ>. (visited: 9, June/2015).
- Gambhir, H.; K, Dabiq. (2014). *The Strategic Messaging of the Islamic State*, Washington DC: ISW: Institute for the Study of War.

- Ghilan, M. (2014). "The Consequences of Not Challenging the Islamic State, Aljazeera", 2. 20. Retrieved from <http://www.aljazeera.com/indepth/opinion/2014/08/islamic-state>. (visited:29, March/ 2015).
- Golver, N. (2009). "Does Security Exist Outside the Speech Act?", University of Bradford, Retrieved from <http://www.e-ir.info/search/groups/page/46/?orderby=&cat=3> (accessed 11 November 2014).
- Kirshner, J. (1998), "Political Economy in Security Studies After The Cold", Jonathan Kirshnersource: *Review of International Political Economy*, Vol. 5, No. 1.
- Klare, M. & Thomas, D. (1994). *World Security: Challenges for a New Century*, New York: St. Martin's Press.
- Nordland, R. & Al-Salhy, S. (18 June 2014), "Extremists Attack Iraq's Biggest Oil Refinery", *The New York Times*, 18. Retrieved from http://www.nytimes.com/2014/06/19/world/middleeast/iraqi-oil-refinery-ablaze-as-army-and-militants-clash.html?_action=Click&ContentCollection=Middle%20East&module=RelatedCoverage&Region=Marginalia&pgtype=article (visited:2, April/2015).
- Peterson, V. S. (1992). *Gendered States: Feminist (Re) Visions of International Relations Theory*, Boulder, CO: Lynne Rienner.
- Phillips, A. (2014). "The Islamic State's Challenge to International order", *Australian Journal of International Affairs*, Vol. 68. Iss. 5. 496.
- Rashid, A. (2014), "ISIS: What the US Doesn't Understand", *The New York Review of Books* 3.2. Retrieved from <http://www.nybooks.com/blogs/nyrblog/2014/dec/02/isiswhat> (visited: 27, April/2015).
- United Nations. (2014). "Report of the Independent International Commission of Inquiry on the Syrian Arab Republic", Rule of Terror, Living under ISIS in Syria, Retrieved from http://www.ohchr.org/Documents/HRBodies/HRCouncil/CoISyria/HRC_CRP_ISIS_14Nov_2014.pdf (Visited: 3, May/2015).
- Waeber, O. (1995). *Securitization and Desecuritization*, New York: Columbia University Press.
- Walt, S. M. (1991), "The Renaissance of Security Studies", *Mershon International Studies Review*, Vol. 35. No. 2.